

گزارشی از «جشن» زنان در شهر کلن

آذر درخشان

به دعوت انجمن زنان ایرانی در شهر کلن جشنی به مناسبت روز زن برگزار شد. نظم و ترتیب مراسم چشمگیر بود. بعلاوه برنامه های هنری که توسط خود زنان اجرا شد نیز نشان می داد که در مراسم گوناگون بجای اتکا به گروه های هنری حرفه ای می توان از توانایی های خود زنان و بویژه هنرمندان به اصطلاح غیر حرفه ای استفاده کرد و برنامه های هنری خوبی ارائه داد.

بخش دیگری از برنامه، پیام انجمن زنان بصورت یک سخنرانی مفصل بود که به زبان آلمانی نیز ارائه شد. بعلاوه، پیامی از نوشین احمدی خراسانی هم خوانده شد و یک خبر نیز توسط عفت ماهباز اعلام شد که بیشتر حالت سخنرانی داشت. البته این بخش در لیست برنامه ها منظور نشده بود و گویا فی البداهه به مراسم اضافه شد. پیام انجمن زنان کلن به برشمردن مشکلات زنان در حیطه های گوناگون اجتماعی می پرداخت. در قسمت آخر پیام صحبت از آغاز روند اصلاحات در ایران پس تغییر و تحولات دوم خرداد شد. بعلاوه، بطور ضمنی در مورد موقعیت زنان پناهجوی ایرانی در آلمان و تحت فشار بودنشان صحبت شد.

این پیام که در واقع فشرده دیدگاه انجمن زنان بود بار دیگر نشان داد که علیرغم تنوع فکری اعضا و فعالین و دوستداران این انجمن، خط و بینش غالب بر آن همان دیدگاه و بینش جریان موسوم به دوم خرداد و طرفداری از خاتمی است. با توجه به اینکه خود جریان دوم خردادی ها طیف های رنگارنگی هستند انجمن زنان نیز بسته به اینکه چه کسانی مسئول انجمن باشند، گرایشات مختلف این جریان را بازتاب می دهند.

قبل از خواندن پیام نوشین احمدی خراسانی، عفت ماهباز با هیجان اعلام کرد که هم اکنون خبر رسیده که در روز هشت مارس در سالن خانه کتاب در تهران، مراسمی با شرکت بیش از هزار زن برگزار شده است این مراسم به ابتکار شهلا لاهیجی و نوشین احمدی خراسانی سازمان داده شده است. ماهباز با وجد گفت که اینها نشانه تحولات مهمی است. ترکیب شرکت کنندگان این هشت مارس مانند ترکیب شرکت کنندگان هشت مارس ۵۷ نبود. در هشت مارس ۵۷ اکثر زنانی که مثل ما بودند شرکت کردند. در حالی که در این مراسم زنان چادری و غیر چادری حضور داشتند و این پیروزی مهمی برای زنان ایرانی محسوب میشود.

گوئی او از یاد برده بود که همین چند لحظه قبل، بحث در مورد فشار بر پناهجویان ایرانی شد. و اینکه اتفاقاً دولت آلمان فشار خود را بر پایه تغییرات مثبت در اوضاع ایران استوار کرده و اینکه وضعیت زنان رو به بهبود است و دیگر مشکلی ندارند. پس بهتر است به ایران دیپورت شوند. حجاب هم جزئی از فرهنگ زنان ایرانی است و نباید بعنوان عامل ستم بر زنان تلقی شود.

با توجه به اینکه هر دو «پیام» به زبان آلمانی ترجمه میشد، من نگران مهمانان آلمانی بودم که چه قضاوتی باید بکنند؟ بالاخره باید از زنان پناهجو دفاع کنند و یا اینکه مانند گوینده خبر از بهبود موقعیت زنان در ایران به دفاع برخیزند؟ این تناقض سیاسی را دوستان انجمن زنان باید حل کنند. نمی شود هم مدافع بهبود وضعیت زنان تحت جمهوری اسلامی بود و هم مدافع حقوق زنان پناهجوی ایرانی!

مشکل دیگر، تفسیر عفت ماهباز از این خبر بود. او با خوشحالی می گفت که این زنان با زنان شرکت کننده در تظاهرات سال ۵۷ فرق دارند. درست است! فرق دارند. مراسم هشت مارس امسال در سالن در بسته برگزار شد و سیاستی اصلاح طلبانه بر آن حاکم بود. حال آنکه زنان شرکت کننده در تظاهرات سال ۵۷ به خیابان ریختند، مستقیماً مقابل رژیم اسلامی قدامت کردند و حق و حقوق خود را خواستند. آنان خواهان تغییر ریشه ای در وضعیت زنان و کل جامعه بودند. خواهان جلوگیری از تثبیت قوانین اسارت بار اسلامی بویژه حجاب اجباری بودند. عفت ماهباز از این به وجد آمده بود که در روز هشت مارس امسال، زنانی محبوس در زندانهای متحرکی به نام چادر در جشن زنان و روز زن شرکت کرده اند. این نکته ای دردناک است و خشم هر زن آزادیخواهی را بر می انگیزد که زنان کشور ما در آغاز قرن جدید باید کماکان تحت قوانین و اجبارات قرون وسطائی روز زن را جشن بگیرند! درست است که برگزاری علنی مراسم هشت مارس در ایران بعد از سالها یک موفقیت است و باید از هر عقب نشینی رژیم در مقابل جنبش زنان شاد بود و به آن ارج گذاشت؛ و از چنین تلاشهایی حمایت بعمل آورد. مسلماً انتظار همان زنان از فعالین جنبش زنان در خارج از کشور این است که حرفهایی را که خودشان بدلیل خفقان نمی توانند بگویند، آنان بگویند. اما اینکه یک نفر به اسم فعال جنبش زنان در خارج کشور، چنین محدودیتهایی را که رژیم جمهوری اسلامی برای زنان بیار آورده را تقدیس کند، جای تاسف است. و جای تاسف مضاعف است که زنان

صادق و آزاده اجازه دهند از تریبون مراسم هشت مارس، سیاست سازش با رژیم ارتجاعی و زن ستیز جمهوری اسلامی تبلیغ شود. سرانجام سیاستهای سازشکارانه امثال عفت ماهباز را زنان ایران همراه با کل مردم ستمدیده در گذشته نه چندان دور دیده اند. آیا نباید به حافظه تاریخی خویش رجوع کنیم و درس بگیریم؟